

Investigating the Jurisprudential and Legal Status of the Punishment of Defamation in Creating Public Security and Promoting Civil Rights

Sedigheh Shojaei¹, Mohammad Rasool Ahangaran², Mohammad Rouhani³

Received: 2020/09/05 Accepted: 2020/12/30

Abstract

Background and objective: The present study investigated the place of the punishment of defamation in creating public security and civil rights.

Method: The method used in this research is descriptive-analytical, which has discussed the present discussion using jurisprudential texts, documentary sources and libraries in an argumentative manner.

Findings: The findings of the present study showed that due to the publication of violators and corrupters, creating transparency in society, paying attention to deterrent aspects, prevention of harm to citizens, and paying attention to the principles of dignity and justice the punishment of defamation has important effects on the citizenship rights and the promotion of public security.

Results: Extending the punishment of defamation to issues such as economic and social corruption has introduced transparency as a form of citizenship rights and has been endorsed in the Islamic Penal Code. In addition to identifying and exposing the perpetrators, the punishment of defamation can even be applied to the publication of the names of judges and authorities that violate the rights of citizens, and this is the responsibility of the judiciary, which provides the necessary grounds for media freedom and the principle of media defamation.

Keywords: Defamation, Public security, Citizenship rights.

1. Graduated from the Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Farabi Campus, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: ahangaran@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. Email: mmoghadam@chmail.ir

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

صص ۱۵۷-۱۸۴

بررسی جایگاه فقهی و حقوقی مجازات تشهیر در ایجاد امنیت عمومی و ارتقاء حقوق شهروندی

صدیقه شجاعی^۱، محمد رسول آهنگران^۲، محمد روحانی مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر جایگاه مجازات تشهیر در ایجاد امنیت عمومی و حقوق شهروندی را بررسی نموده است.

روش پژوهش: روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده که با بهره‌گیری از متون فقهی، منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و به شیوه استدلالی به بحث حاضر پرداخته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داده که مجازات تشهیر به دلیل انتشار اسامی مختلفان و مفسدان، ایجاد شفافیت در جامعه، توجه به جنبه‌های بازدارنده، نفی و جلوگیری از ضرر رساندن به شهروندان و توجه به اصول کرامت و عدالت دارای آثار مهمی بر حقوق شهروندی و ارتقای امنیت عمومی است.

نتیجه‌گیری: تسری بخشیدن مجازات تشهیر به مسائلی مانند فسادهای اقتصادی و اجتماعی، شفافیت را به‌عنوان شاکله حقوق شهروندی مطرح ساخته و در قانون مجازات اسلامی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر شناسایی و رسوا ساختن مجرمان، مجازات تشهیر حتی می‌تواند درباره انتشار نام قضات و مراجع ناقض حقوق شهروندان اعمال شده و این امر بر عهده دستگاه قضایی است که زمینه‌های لازم را برای آزادی رسانه‌ها و اصل تشهیر رسانه‌ای فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تشهیر، امنیت عمومی، حقوق شهروندی.

۱. فارغ‌التحصیل مقطع دکتری و مدرس گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: ahangaran@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

mmoghadam@chmail.ir

مقدمه

امنیت یک نعمت بی‌بدیل بوده و در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و غیره از نیازهای اصلی فرد و جامعه بوده که ایجاد و گسترش آن وظیفه آحاد ملت، حکومت‌ها و دولت‌ها است؛ بنابراین هیچ مکتب و نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی‌تفاوت قلمداد کند، زیرا امنیت گذشته از این که یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر است، عامل مهمی برای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. نبود امنیت در اغلب نظام‌های سیاسی به‌عنوان یک تهدید قابل طرح است و به همین دلیل هر مکتب سیاسی و فلسفی تلاش می‌کند تا دیدگاه خود را درباره امنیت و راه‌های کسب آن بیان کند (هیوود، ۱۳۸۴: ۵۷). بدون شک اسلام به‌عنوان یک نظام حقوقی جامع و مترقی که پاسخ‌گوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در هر زمان‌ها و مکان‌ها است از این قاعده مستثنی نبوده و با ملاحظه متون دینی و احکام و مقررات اسلامی در می‌یابیم که امنیت در همه عرصه‌ها از اهمیت والایی برخوردار است. بنابراین جستجوی امنیت به مفهوم کلی آزادی و رهایی از ترس و خطر و احساس ایمنی از هر گونه تهدید، یکی از نیازهای اولیه و اساسی انسان‌ها از آغاز زندگی اجتماعی بوده است. ایده امنیت انسانی که در آن آحاد جامعه بشری حریم خویش را از هر گونه تعرض و تهدیدی، آزاد، رها و ایمن حس کنند، آرمان والایی است که انسان‌ها همواره در انتظار نیل به آن هستند، به‌طوری که از منظر امام علی علیه‌السلام امنیت به مثابه گواراترین نعمت، مایه رفاه زندگی و یکی از اهداف ذاتی و مأموریت‌های اساسی حکومت اسلامی است (وائقی، ۱۳۷۲: ۲۳).

بر این اساس، یکی از اهداف اساسی امنیت ملی در هر کشوری، حفاظت از ارزش‌های محوری و حیاتی نظام فرهنگی آن است. در مقابل از جمله کارهای عمده هر نظام فرهنگی نیز، امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد و حفظ همبستگی است. برای دستیابی به امنیت، نیازمند مقابله و شناسایی انحرافات اجتماعی هستیم؛ بنابراین انحرافات اجتماعی در هر حوزه‌ای موجب اختلال

کار کردی در عرصه فرهنگ و اقتصاد و اجتماع شده و از سوی دیگر مانع تحقق اهداف امنیتی در بعد فرهنگی می‌شود. بنابراین گسترش انحرافات اجتماعی از جمله مشکلات عمده‌ای است که امروزه بیانگر بسیاری از جوامع کنونی است. در جامعه ما نیز با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی و ساختار جمعیتی بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات در این زمینه یکی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی است که موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی و چالش‌های امنیتی و اجتماعی شده است. اصلاح نشدن چنین شرایطی مزمن، پیچیده و بزرگ‌تر شدن مسئله و ایجاد بحران اجتماعی و در نهایت بحران امنیتی خواهد شد. که لازم است در عرصه عمل، برای مهار و کنترل این مسئله در جهت افزایش امنیت در جامعه و کاهش ضریب آسیب‌پذیری در مقابل تهدیدات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی - از امکانات موجود کنونی نهایت بهره‌گیری را در جهت مبارزه با این معضل اجتماعی بنماییم.

اختلال در کارکردهای مثبت هر مکتبی باعث ایجاد شکاف فرهنگی و نسلی، تغییر الگوهای مرجع و رکود الگوهای فکری و رفتاری در بعد اقتصادی مانند افزایش سطح انتظارات توأم با کاهش امکانات، نبود فرصت‌های برابر، شکاف طبقاتی، فساد اقتصادی، اختلاس و کلاهبرداری و نداشتن عدالت توزیعی، نرخ بالای بیکاری و وجود شغل کاذب، احساس محرومیت نسبی و ناامید به بهبود به وضعیت در آینده، نبود صداقت و تعهد و وجدان جمعی می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایجاد و گسترش انحرافات اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش اساسی داشته باشد و بر آسیب‌پذیری صحنه بگذارد (ستوده، ۱۳۷۲: ۱۹۰). علاوه بر این، نحوه مقابله با جرایم اجتماعی و هم‌چنین راهکارهای کیفری برای ایجاد امنیت و مقابله با عوامل ناامنی جامعه، بخش مهمی از دغدغه نظام‌های قضایی در سراسر جهان و از جمله نظام قضایی کشور است. در همین راستا، با توجه به این که، نظام کیفری و قوانین

آن برگرفته از فقه و آراء فقهی هستند، جهت مقابله با عوامل تهدید کننده امنیت عمومی و ارتقای حقوق شهروندی، نیازمند توجه به مجازات مقرر فقهی هستیم. در این راستا، مجازات تشهیر یکی از مجازات مهم فقهی بوده که وارد حوزه قوانین کیفری نیز شده است.

بنابراین به طور مشخص سؤالات اصلی پژوهش حاضر این است:

الف: مبانی فقهی و حقوقی مجازات تشهیر شامل چه مواردی است؟

ب: مجازات تشهیر از چه روشی می تواند باعث ارتقای امنیت عمومی و دستیابی شهروندان به حقوق آنان شود؟

مبانی نظری

تشهیر واژه‌ای عربی است که ریشه در «شَهْرَ» دارد و در باب تفعیل است. در نزد لغت-شناسان، شهر به معنای شناخته شدن به چیزی و یا رسوا شدن آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۲)؛ بنابراین هنگامی که شخصی به چیزی مشهور می شود می توان از اصطلاح تشهیر در وصف وی استفاده کرد. هم چنان که از نظر راغب، به معنای مشهور شدن شخص به خیر یا شر است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۶۸)؛ اما برخی دیگر از لغت شناسان، جنبه منفی تشهیر را مدنظر قرار داده و چنین بیان می کنند که تشهیر در واقع، نشان دادن چیزی به نحو قبیح در بین مردم است تا تقبیح آن عمل روشن شود (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۰۰).

تشهیر همانند سایر مفاهیم و اصطلاحات مطرح شده در فقه اسلامی، جنبه اجتماعی نیز دارد. بدین معنا که به معنای آشکار شدن چیزی است (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۵۰۷)؛ و هنگامی که در عرصه زندگی اجتماعی به کار گرفته می شود، آشکار شدن امور را پدید می آورد. از این جهت، تشهیر بُعدی حقوقی پیدا می کند. بدین معنا که تشهیر، باعث رسوایی مجرم در نزد عموم مردم می شود. این رویه می تواند در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، افراد مجرم را در معرض دید عموم قرار دهد. تشهیر امروزه، آشکارا با رسانه ها پیوند خورده است. به عنوان مثال، هنگامی که فردی

را به دلیل انجام جرم و جنایتی در میان مردم می‌چرخانند و یا از طریق رسانه‌های جمعی، او را به مردم معرفی می‌کنند از مجازات «تشهیر» استفاده شده است. به همین دلیل می‌توان گفت تشهیر از جمله اصطلاحاتی است که در عرصه احکام قضایی و مجازات تعزیری به کار گرفته می‌شود. به عنوان نمونه، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره شخص قاذف بدین گونه است که وی را باید تشهیر نمود و در معرض دید مردم گذاشت (امام خمینی، بی تا: ۴۷۵). روشن است که این نمایش و به اصطلاح تشهیر نمودن از دو جنبه قابل تحلیل است: اول این که مجازاتی برای فرد مجرم است تا عواقب جرم خود را پس دهد و دوم این که، عبرتی برای دیگران محسوب می‌شود که هم سرنوشت افراد مجرم را مشاهده نمایند و هم این که با مشاهده رسوا شدن فرد مجرم، از خطرات جرایم اجتماعی آگاه شوند و با این استدلال که ارتکاب به جرم ممکن است باعث تشهیر آنان در میان مردم و مایه سرافکنندگی شود، از انجام اعمال مجرمانه خودداری نمایند؛ بنابراین مجازات تشهیر، آشکارا قاعده‌ای اجتماعی و حقوقی است و می‌تواند حقوق شهروندان را در عرصه‌های اجتماعی و امنیت عمومی تحت تأثیر قرار دهد.

از نظر علمای شیعه، تشهیر در موارد گوناگونی به عنوان قاعده‌ای فقهی در مجازات اسلامی کاربرد دارد و موارد مختلف آن شاهد کاذب، قاذف، کلاهبردار و مفلس است. از نظر طوسی، مصداق بارز به کارگیری مجازات تشهیر، شهادت دروغ است؛ بنابراین، شهادت دروغ، یکی از کیفرهایی است که در فقه اسلامی کیفر تشهیر در مورد آن اجرا می‌شود. البته از نگاه موضوع شناسی، تعریف یکسانی از خود شهادت زور، ارائه نشده و در نظرات مختلف به گواهی کذب، گواهی باطل، گواهی به غیر حق و گواهی با وجود علم برخلاف تعریف شده است، یعنی فرد آگاه به حقیقت از روی عمد برخلاف حقیقت، گواهی و خبر دهد یا فرد غیر آگاه به حقیقت از روی عمد گواهی و خبر دهد. خواه این گواهی او به صورت تصادفی مطابق حقیقت درآید خواه

خلاف حقیقت، تأکید می‌شود که مرتکب چنین شهادتی به لحاظ لزوم عقلی و رعایت مصلحت عمومی و به استناد روایات مشترک شیعه و سنی باید به عموم افرادی که در معرض گواهی فریب کارانه او قرار دارند، معرفی و به اصطلاح تشهیر شود. الزور در لغت به معنای کذب و دروغ و باطل است (موسوی تبریزی، ۱۳۷۷: ۶).

فلسفه تشهیر این است که باعث رویگردانی مجرم از عمل مجرمانه باشد و از طرفی دیگر مایه عبرت و پندآموزی آحاد مردم شود تا جامعه از فساد و تباهی در امان بماند. به عنوان مثال، برخی از علمای شیعه بر این نظر هستند که تعزیر شاهد زور واجب است و خلافی در آن نیست و حاکم می‌تواند به وسیله تازیانه یا ندا دادن در بین قبیله و محله‌اش (تشهیر) او را تعزیر کند تا دیگران از انجام چنین کاری خودداری کنند (محدثی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۷۱)؛ بنابراین اقوال فقهای امامیه، نشان از این است که هیچ‌گونه اختلاف نظری در مورد تشهیر شاهد کذب همراه با تعزیر وجود ندارد. البته برخی از آنان با لفظ «یجب و...» قائل به وجوب تشهیر شده و دسته دیگر با عبارت «ینبغی...»، اراده استحباب نموده‌اند. بزرگی این گناه تا آنجاست که قرآن به‌طور صریح شهادت دروغ را هم پایه شرک به خدا می‌داند. جایی که می‌فرماید: «فاجتنبوا الرّجس مِنَ الاوثانِ و اجتنبوا قولَ الزّور» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸). و در توصیف بندگان، خداوند رحمان می‌فرماید: «والَّذینَ لَا تَشْهَدُ وَنَا لِزور...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸).

برخی دیگر از جمله صاحب ریاض المسائل بر این عقیده هستند که «احکام گفته شده در مورد شاهد زور، درباره شهادتی که در شهادت خود اشتباه و خطا کرده یا گواهی او با گواهی فرد دیگری در تعارض قرار گرفته یا فاسق بودن او به استناد امر دیگری به غیر از زور بودن شهادتش، آشکار شده یا در معرض اتهام به شهادت زور باشد، اجرا نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که وی در واقع امر، صادق باشد و در نتیجه، به‌عنوان «شهادت زور» در مورد او، صدق نکنند» (مجلسی، ۱۳۷۶: ۳۱۱). طرفداران این دیدگاه معتقدند از آن جا که تشهیر نوعی از مجازات تعزیری است و یکی از مزایای تشهیر این

است، شخص مجرم بر مردم شناسانده می‌شود. فلسفه مجازات تعزیری هم مبتنی بر تأدیب مجرم و بازدارندگی است و هم شناساندن او به مردم به منظور نپذیرفتن شهادت او است و بازداشتن دیگران از این جرم است (حلی، ۱۳۸۱: ۳۵۳).

مجازات تشهیر در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. روایت سماعه بن مهران؛ محمد بن علی بن الحسین از سماعه، از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده که ایشان فرمودند: «شاهدان زور باید شلاق زده شوند که وقت (خاصی) برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا این که او را (به‌عنوان شاهد کذب) بشناسند و دوباره مرتکب آن نشوند. از ایشان پرسیدم: اگر توبه کنند و اصلاح شوند، آیا شهادتشان بعد از آن پذیرفته می‌شود؟ ایشان فرمودند: چنانچه در برابر خداوند توبه کنند، شهادتشان قبول می‌شود» (بهشتی و قیوم زاده، ۱۳۹۶: ۴۰۲).

روایت عبدالله بن سنان؛ علی بن نظر از عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند: «شاهدان زور باید شلاق زده شوند که وقت (خاصی) هم ندارد و این امر بر عهده امام است و باید در شهر گردانده تا شناخته شوند و آیه قرآنی: «وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمُ الشَّهَادَةَ أَبَدًا وَاُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸) را تلاوت کردند». به ایشان گفتم چگونه توبه آن‌ها شناخته می‌شود؟ فرمودند: «باید در حالی که زده می‌شوند، خودشان دو برابر مردم تکذیب کنند و در درگاه الهی استغفار کنند و هرگاه چنین کردند؛ توبه‌شان پذیرفته شده است» (جهانگیر، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

با این اوصاف، تشهیر، مجازاتی مربوط به حقوق عمومی شهروندان است که از این حیث برای مجرمان، می‌تواند نقشی مؤثر در مقابله با فساد و کاهش جرایم اجتماعی داشته باشد. هم‌چنان که برای توجیه به کارگیری مجازات تشهیر از سوی فقهای شیعی نیز چنین استدلال شده است: «شناخته شدن مجرم و اجتناب از پذیرش شهادتش و بازداشتن خود مجرم و دیگران از تکرار آن را حکمت این حکم دانسته‌اند» (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۷). بدین ترتیب تشهیر دارای اهدافی است که در صورت بهره‌گیری صحیح

و عادلانه از آن می‌توان نقشی بازدارنده در کاهش جرایم اجتماعی ایجاد نمود. از این-رو، هنگامی که با توسل به مجازات تشهیر، درصدد کاهش مجازات اجتماعی و افزایش امنیت عمومی گام بر می‌داریم، نسبت به حقوق شهروندان، اقدامی مؤثر انجام می‌دهیم. ضمن این که مجازات مجرمان از این طریق، حمایت از گسترش عدالت و برابری میان شهروندان بوده و از این جهت نیز شایان توجه است.

قانون‌گذار کشور نیز مجازات «تشهیر» را در جهت مقابله با فساد و برقراری عدالت و امنیت میان شهروندان مورد استفاده قرار داده است. قانون مجازات اسلامی در یکی از عناوین مجازات برای مجرمان در ماده ۱۹ این قانون در زمینه به کارگیری مجازات تشهیر بر مبنای مجازات درجه ۶ چنین آورده است: «انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).

بدین ترتیب قانون‌گذار با نام بردن از اصل تشهیر، رویکردی حقوقی آفریده است که بر مبنای آن می‌توان احکام قطعی کسانی که مرتکب جرایم تعزیری در جامعه شده‌اند، رسانه‌ای شود و در معرض دید عموم قرار گیرد. این امر هم از حیث بازدارندگی و هم از حیث مجازات مجرمان، ارتباط گسترده‌ای با حقوق شهروندان پیدا می‌کند. امروزه مصادیقی که می‌توانند توسط مجازات تشهیر، شناسایی و به عموم جامعه معرفی شوند، متعدد هستند و در قانون مجازات اسلامی نیز بدان‌ها اشاره شده است. از جمله:

- رشاء و ارتشاء

- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

- تبانی در معاملات دولتی

- اخذ پورسانت در معاملات خارجی

- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

- جرائم کمرگی
- قاچاق کالا و ارز
- جرائم مالیاتی
- پول‌شویی
- اختلال در نظام اقتصادی کشور

- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی و دولتی (قانون مجازات اسلامی، مصوبه ۱۳۹۲).
مصادیقی که برای تشهیر در نظر گرفته شده است به وضوح، مسائل و موضوعات مختلف اجتماعی و اقتصادی را در صورتی که حکم قطعی برای مرتکبان آن صادر شود، در راستای اصل تشهیر قابل انتشار و اطلاع به همه مردم می‌داند.

قانون‌گذار ایران نیز در قوانین موضوعه کشورمان تشهیر را به‌عنوان یکی از انواع مجازات تعزیری پذیرفته و قوانینی در این زمینه وضع کرده است. از جمله ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مجازات تعزیری را درجه‌بندی و مجازات تشهیر را ذیل درجه ششم آن قرار داده است. هم‌چنین در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره‌های ذیل آن به نوعی به مجازات تشهیر پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

برخی تحقیقات به مسئله تشهیر و جایگاه آن در مقابله با جرائم جامعه نیز پرداخته‌اند؛ از جمله: رشادتی و رضایی (۱۳۹۸) نیز در مقاله «کیفرشناسی تشهیر و امکان‌سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف»، مجازات تشهیر را علاوه بر مجازات مجرمان به رسواسازی قضات مختلف نیز تسری داده است. هرچند نویسندگان بر این عقیده هستند که رسواسازی دادرسان لغزش کار و متخلف، با توجه به قوانین کیفر شناختی موجود و بازخوردهای منفی آن نمی‌تواند کارایی چندانی داشته باشد. غلامی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله با‌عنوان «مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکردی تطبیقی به مجازات مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده)»، حفظ تعادل میان حقوق فردی

و ثبات و امنیت اجتماعی را یکی از رسالت‌های سیستم عدالت کیفری می‌دانند که در پاره‌ای از مواقع نیازمند به کارگیری سازوکارهایی برای افشای نام مرتکبان است. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که با توجه به اهمیت بازدارندگی در قوانین کیفری از جمله ایالات متحده، مجازات تشهیر نیز می‌تواند در راستای اصل بازدارندگی در جرائم تعزیری به کار گرفته شود. محدثی و سلطانی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای خود با عنوان «نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران»، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را یکی از جلوه‌های بهره‌گیری از فقه شیعی در زمینه مجازات تشهیر می‌دانند که در اصل نوزدهم و مجازات درجه ششم بدان اشاره شده است. حسینی و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله با عنوان «جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی»، انتشار اسمی متخلفان اقتصادی و اطلاع یافتن عموم مردم از این سیاست را یکی از گام‌های مؤثر برای مقابله با فساد اقتصادی می‌دانند که در واقع انتشار نام مفسدین مهم‌ترین نشانه آن است. مجید قربانی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی فقهی، حقوقی و آسیب‌شناسی طرح تشهیر اراذل و اوباش، به مزایا و معایب تشهیر در مقابله با اراذل و اوباش می‌پردازد و بر این عقیده است که این رویکرد می‌تواند در تقویت امنیت محله محور مؤثر باشد. ضمن این که به کارگیری چنین امری نیازمند تغییر نگاه ما به مقوله بزهکاری است.

مرتاضی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی معناشناختی «شهادت زور» و ضرورت معرفی مرتکب آن در فقه مذاهب خمس» بدین نتیجه می‌رسد که در نزد مذاهب خمس نیز، مرتکبان شهادت زور، هم از لحاظ عقلی و هم از لحاظ رعایت مصلحت عمومی و با استناد به روایات مشترک شیعه و سنتی باید به عموم افرادی که در معرض گواهی فریب‌کارانه او قرار دارند، معرفی و به اصطلاح تشهیر شوند.

محدثی و سلطانی (۱۳۹۶) در پژوهش «نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران» بدین نتیجه رسیدند که ضرورت بازنگری در مجازات تشهیر بر

مبنای قوانین موضوعه جدید احساس می‌شود. بدین معنا که گسترش رسانه‌های ارتباطی و تکنولوژی‌های اینترنتی ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده است. حیدری (۱۳۹۲)، نیز در پژوهشی با عنوان «نقد کیفر شناختی تشهیر رسانه‌ای» بدین نتیجه می‌رسد که تشهیر رسانه‌ای بیش از آن که یک اقدام حقوقی و قضایی باشد، نوعی عمل رسانه‌ای است که از این جهت، باید رسانه مجاز به انتشار حکم، شکل و نحوه انتشار آن حکم، زمان و چگونگی اعلام آن در رسانه‌ها به صراحت بیان شود. حسینی و اسمعیل‌زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی» با رویکردی انتقادی به بررسی مسئله فساد اقتصادی پرداخته‌اند و چنین نتیجه می‌گیرند که اعلام اسامی افراد مفسد و متخلف در حوزه‌های اقتصادی، به تنهایی نمی‌تواند جلوی فسادها در این زمینه را بگیرد، بلکه قانون‌گذار باید با رهایی از جنبه‌های عوام‌گرایانه کیفری به علل و زمینه‌های فساد نیز پردازد.

منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن‌ها» راهکارهایی برای پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی در ایران ارائه می‌دهد که از جمله شامل تعریف قانونی جرم اقتصادی، تجمع و پالایش قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی، توجه جدی به مقوله بی‌کاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زایی می‌شود.

پژوهش‌های ذکر شده و پژوهش حاضر از یک جهت دارای قرابت‌هایی هستند. از جمله این‌که، هر دو، بخشی از قوانین کیفری از جمله اصل تشهیر رسانه‌ای و موضوع فساد اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های پیشین این است که درصدد بررسی جایگاه تشهیر با نظر به حقوق شهروندی پرداخته است و از این جهت دارای نوآوری است و تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جایگاه تشهیر با رویکرد

حقوق شهروندی است که با بیان فلسفه و کیفیت مستندات این حکم دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش

روش استفاده شده در این تحقیق همانند سایر موضوعات مشابه در حیطه علوم انسانی، روش توصیفی-تحلیلی است که بر مبنای آن، جایگاه تشهیر رسانه‌ای در ایجاد امنیت عمومی و ارتقای حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. منابع مورد استفاده در این روش، بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است که به شیوه استدلالی نسبت به بحث حاضر پرداخته شده است. متون دینی و فقهی، منابع حقوقی از جمله نظریات فقهای شیعه منابع اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

یافته‌ها

بررسی مصادیق بهره‌گیری از مجازات تشهیر در حوزه امنیت عمومی و حقوق شهروندی نیازمند توجه به ابعاد مختلف جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که در صورت تأمین و برطرف ساختن نیازهای این حوزه می‌توان گفت مجازات تشهیر می‌تواند باعث ایجاد امنیت عمومی و ارتقاء حقوق شهروندی شود که در اینجا به برخی از موارد اشاره می‌شود:

- برقراری عدالت و مقابله با متجاوزان به حقوق شهروندی

رسانه‌ها اعم از رسانه‌های دیداری و شنیداری نقش مهمی در توسعه حقوق شهروندی بر عهده دارند. به طوری که می‌توان گفت رسانه‌ها با آگاه ساختن شهروندان و انتشار اطلاعات مانع تضییع حقوق شهروندان و تعرض به آن می‌شوند. حتی امروزه بخش مهمی از پروژه حقوق شهروندی از طریق سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و... انجام می‌پذیرد (اوسلر و استراکی^۱، ۲۰۱۰: ۱۲۵). به همین دلیل دولت‌ها و نظام‌های سیاسی نیز می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌ها، نسبت به شناسایی و معرفی افراد حقیقی و حقوقی

که باعث تعرض به حقوق شهروندی می‌شوند، زمینه‌ها را برای برقراری عدالت در میان شهروندان فراهم سازند.

صیانت از شهروندان در مقابل هرگونه تعدی به حقوق فردی و اجتماعی آنان، از جمله وظایف حکومت اسلامی است. ایجاد امنیت قضایی، نوعی مصونیت قضایی شهروندان است که آنان را از هرگونه تجاوز و تعرضی مانند هر عمل منافی شئون و حیثیت انسانی در امان می‌دارد. تشهير با شناساندن مجرم یعنی گرداندن او در شهر و معرفی وی به مردم (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۵۰۸). باعث احساس امنیت عمومی شهروندان می‌شود و این احساس را پدید می‌آورد که قانون‌گذار در زمینه مقابله با جرایم اجتماعی، امنیت شهروندان را خطوط قرمز خود می‌داند. هرچند معرفی و شناسایی مجرمان بر مبنای اصل حقوقی تشهير، علاوه بر احساس امنیت می‌تواند، امنیت واقعی و عینی را نیز پدید آورد. بدین ترتیب، معرفی کردن محکومان جرائم اقتصادی که بر اساس مجازات تشهير مجرمان و سخت‌گیری بر آنان صورت می‌گیرد، از دو جهت دارای اهمیت است. از یک طرف، موجب رسوایی مرتکبان و شناخته شدن آن‌ها به عنوان خیانت‌کنندگان به اعتماد عمومی می‌شود. از طرف دیگر به علت ترس از آشکار شدن نام محکومان و رسوا شدن در انظار، سبب جلوگیری از جرائم بعدی می‌شود (حبيب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۵)؛ بنابراین قاعده فقهی و اصل حقوقی تشهير، این امکان را برای رسانه‌های عمومی مهیا می‌سازد که بتوانند محکومان قطعی در حیطه‌های مختلف جرایم اجتماعی را شناسایی و برای عموم شهروندان معرفی نمایند.

نتایج منطقی مجازات تشهير، حفظ امنیت جامعه و حراست از زندگی توأم با آرامش شهروندان است. چه این که، امنیت یک نیاز اولیه همگانی و گسترده بوده در یک جامعه در حال توسعه، پیش‌نیاز توسعه همه‌جانبه است؛ امنیت، مطلوب مردم و حکومت است؛ زیرا اگر هرج و مرج بر جامعه حاکم شود، هیچ انسانی نمی‌تواند زندگی سعادتمندانه‌ای داشته باشد؛ زیرا خیر دنیا و سعادت اخروی به تأمین امنیت

وابسته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۹۰). علاوه بر این، آثار به کارگیری مجازات تشهیر این است که برقراری عدالت را میان مردم امکان‌پذیر می‌سازد. بدین معنا که با مجازات کردن مجرمان و شناساندن آنان به مردم، زمینه‌های برخورد با مجرمان را فراهم می‌سازد.

عدالت یکی از پایه‌های حقوق شهروندی است و بدون پیاده کردن قواعد حقوقی منسجم نمی‌توان به برقراری آن امیدوار بود. چنانچه امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «هرگاه میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۰). هم‌چنین حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «با اجرای عدالت برکات خداوند مضاعف می‌شود» (کاشف الغطا نجفی، ۱۴۲۳: ۷۶). بر مبنای اصل عدالت، قانون اساسی ما در کنار قوانین موضوعه، اصل عدالت را برای همه شهروندان محفوظ می‌داند. به‌عنوان مثال، اصل ۳۴ قانون اساسی می‌گوید: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کسی می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالحه رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۲۲)؛ بنابراین کسانی که اصل عدالت را به مثابه یکی از اصول اساسی حقوق شهروندی نادیده بگیرند، مستوجب مجازات اسلامی هستند. به نظر می‌رسد تعمیم دادن اصل تشهیر به کلاهبرداران در زمینه‌های اقتصادی ضامنی برای تحقق اصل عدالت در حقوق شهروندی است.

مجازات تشهیر و بازدارندگی عمومی

رسانه‌ها علاوه بر این که می‌توانند موجود ثبات و یا برهم زننده آن باشند، همواره بر نگرش‌ها و تصورات افراد نسبت به امور مختلف، اثرگذار هستند. این رویکرد از قدیم نیز وجود داشته است که رسانه‌ها انگاره‌های خود را در قالب خوب در برابر بد، زشت در مقابل زیبا و قهرمان در برابر شرور به مخاطبان خود القا می‌کردند (باراک^۱، ۱۹۹۴:

(۷۱)؛ بنابراین کارکرد رسانه‌ها از جهت این که بر طیف عظیمی از مردم اثر می‌گذارد، نشان‌دهنده جایگاه همه‌جانبه آن در موضوعات مختلف از جمله مسائل عمومی شهروندان است. با توجه به اینکه تشهیر نیز با رسانه‌ها قرابت زیادی دارد، توجه به کارکرد آن در حوزه بازدارندگی عمومی امری قابل توجه است.

توضیح این که مجازات تشهیر، به دلیل آثار بازدارنده‌ای که در آن وجود دارد، به ایجاد امنیت در جامعه کمک می‌رساند؛ زیرا یکی از دلایل حمایت از قاعده فقهی-حقوقی تشهیر آن است که فرد مجرم، عقوبت می‌شود تا دیگران از انجام چنین عملی بترسند (طبرسی، ۱۳۸۴: ۱۹۱)؛ بنابراین مشاهده مجرم در ملاءعم و یا انتشار نام وی در رسانه‌ها باعث ترس و یا حتی درس عبرتی برای سایرین می‌شود که در نهایت، زمینه‌ساز تحقق امنیت عمومی به عنوان حقوق اولیه شهروندان است. امنیت عمومی به معنای کلی آن، مجازات همه مجرمانی است که در عرصه‌های مختلف جامعه باعث ایجاد ناامنی می‌شوند. مستندات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارند.

از جمله، حضرت علی (ع) خطاب به قاضیان می‌فرمایند: کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر دادن او اسراف نکن (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). هرچند اصل تشهیر به معنای شناسایی و معرفی مجرم در معرض عموم است، اما تأکید بر اسراف نکردن به معنای حفظ حریم خصوصی و عدم انتشار نام افراد قبل از محکومیت است. همین رویه نیز در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است (ماده ۱۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲). در همین راستا، اصل چهاردهم نیز با استناد به آیه‌ای از آیات قرآن مجید خواستار رفتار توأم با اخلاق حسنه و رعایت عدل و انصاف با تمام شهروندان غیرمسلمان از سوی دولت اسلامی شده است (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). به طوری که در این اصل چنین بیان شده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». از طرفی دیگر، مجازات

تشهیر به دلیل آنکه در حیطه جرایم تعزیری به کار می‌رود، جنبه بازدارندگی آن بسیار مورد توجه است؛ بنابراین یکی از نقاط مشترک مجازات تعزیری و مجازات تشهیر آن است که باعث بازداشتن فرد مرتکب و حتی دیگران از عملی مجرمانه می‌شوند. البته معنای تشهیر در حیطه مجازات تعزیری، منع، ردع و بازداشتن فرد مجرم از تکرار گناه است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۰۸)؛ بنابراین همین که دیگران نیز با مشاهده مجرم و حتی جرم انجام شده در جامعه، از آن دوری می‌جویند، راهی برای برقراری امنیت اجتماعی شهروندان پدید می‌آید.

بازدارندگی عمومی از جرم هدف اصلی مجازات تشهیر است؛ زیرا مجازات تشهیر دارای کارکردهای متفاوتی است که هر کدام از آنان می‌تواند باعث کاهش جرایم اجتماعی و افزایش امنیت جامعه شود. توضیح این که، بر طبق مجازات تشهیر، سزادهی و ارباب، جلوگیری از تکرار جرم، توان‌گیری و استیفای حقوق دائن از مدیون (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۹) به‌عنوان شاکله اقدامات بازدارنده در زمینه وقوع و تکرار جرم قابل مشاهده است.

- افزایش فرهنگ امنیت عمومی

رسانه‌ها سازنده فرهنگ امروزی هستند و هرگز نمی‌توان نسبت به ساختن و یا تداوم فرهنگ بدون رسانه اندیشه کرد. به عبارتی دیگر، رسانه‌ها قادرند مدل‌های ارزشی و رفتاری پر قدرتی خلق کنند و یا بدون فعال کردن خودآگاه، بر ما اثر می‌گذارند (قاسمی، ۱۳۶۸: ۹۷). به همین دلیل و با توجه به جایگاه مهم رسانه‌ها در ارتباط با فرهنگ، می‌توان از نقش مهم رسانه در ارتقای امنیت عمومی برای بهبود زندگی شهروندان بهره برد. در همین راستا می‌توان چنین گفت که ترویج رویکرد فرهنگی برای جلوگیری از تکرار جرم و یا عبرت‌آموزی دیگران، مستلزم آن است تا مردم، مجرم را بشناسند و عمل مجرمانه را نیز تشخیص دهند و برای جلوگیری از آن، راهکاری بیندیشند. به همین ترتیب، پیام مجازات تشهیر آن است که دیگران از این کار بازداشته شوند (نراقی، ۱۴۱۵: ۴۳۲). بدین ترتیب باید گفت یکی از آثار فرهنگی

مجازات تشهیر، تأدیب خطاکار از جرم خویش است و با شناخته شدن وی، آگاهی شهروندان از جرم نیز افزایش پیدا می‌کند. بدین ترتیب، مجازات تشهیر جنبه آموزشی و تربیتی نیز دارد و از این رو می‌تواند به اصلاح فرهنگ عمومی در زمینه کاهش جرم و دور شدن از برخی جرائم منجر شود؛ بنابراین به کارگیری مجازات تشهیر می‌تواند از حیث فرهنگی قابل توجه باشد.

اصلاح و ارتقای فرهنگی عمومی جامعه در حیطه امنیتی عمومی یکی از وظایف مهم دولت‌ها برای ساماندهی اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه و حفظ شاکله آن است. در عصر حاضر امنیت فرهنگی به‌طور مستقیم با امنیت اجتماعی و جلوگیری از انحرافات اجتماعی ارتباط دارد. انحراف اجتماعی به معنای هرگونه انحراف رفتاری است که با انتظارات جامعه یا یکی از گروه‌های مشخص آن منطبق نباشد؛ به عبارت دیگر، انحراف، دوری جستن و فرار از هنجارها است. انحراف معلول امنیت فرهنگی پایین است، اما این دو در تأثیر و تأثر از یکدیگرند. این دور تسلسل باعث می‌شود که امنیت فرهنگی و انحراف اجتماعی، یکدیگر را تأیید و تقویت یا تضعیف کنند. هر چه میزان توسعه‌یافتگی جامعه‌ای بیشتر باشد، ضریب امنیت اجتماعی آن نیز افزایش می‌یابد و به موازات آن، از میزان جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی نیز کاسته می‌شود و هم-چنین جرائم اقتصادی مثل کلاهبرداری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت جامعه و اعتماد مردم را به مخاطره می‌اندازد و موجب اختلال در تنظیم جریان اقتصاد ملی کشور و انحرافات اجتماعی و سیاسی می‌شود که در برهه‌های حساس می‌تواند تهدیدی بالقوه برای کشور باشد و نظام اقتصادی و اجتماعی کشور را دچار چالش کند (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۳۶). از این جهت، قاعده فقهی و اصل حقوقی تشهیر به کمک رسانه‌ها، بخش‌های مختلف جامعه را نیز در شناخت مجرمان و آگاهی از جرایم اجتماعی بیدار می‌کند و از این جهت، فرهنگ عمومی شهروندان را در مسیر شناخت از جرائم اجتماعی سوق می‌دهد. امروزه اصل تشهیر از حالت سنتی خود خارج شده و

اغلب با بهره‌گیری از ابزارهای جدید برای مقابله با مفاسد اقتصادی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین رسانه‌ها از این قدرت برخوردار هستند که بتوانند پس از محکومیت افراد مجرم، نسبت به انتشار اسامی مجرمان برای تنبیه مجرمان و آگاه ساختن شهروندان اقدام نمایند. حتی می‌توان استدلال کرد که یکی از مشکلات اساسی در راه مقابله با فساد در جامعه، تبعیض در برخورد با مظاهر فساد است. با این منطق که در سیستم یا اداره یا ارگانی بیشتر آبروریزی شود، در افشای موارد انحراف کوتاهی می‌کنند (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۴۹۸-۴۷۷).

به نظر می‌رسد تداوم این رویه خطری برای تحقق حقوق شهروندی و ایجاد امنیت برای مفسدان جامعه است؛ بنابراین آزاد بودن رسانه‌ها بر اساس قانون و انتشار اسامی مجرمانی که قبلاً جرم آن‌ها در دادگاه اثبات شده است، باعث آگاهی مردم از اعمال مجرمانه و اتخاذ رویه احتیاط‌آمیز از سوی کسانی می‌شود که زمینه‌ای برای ایجاد فساد در جامعه دارند. رسانه‌ها با انتشار اخبار مربوط به اسامی مجرمان و اعمال مجرمانه، توجه شهروندان را به نقض قانون و ضمانت اجرای اعمالی جلب می‌نمایند (بولوک^۱، ۱۳۷۷: ۷۵). اصلی که با عنوان تشهیر رسانه‌ای از آن یاد می‌شود و می‌تواند در ارتقا بخشیدن به فرهنگ امنیت عمومی جامعه مؤثر واقع شود. چنانچه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کیفر تشهیر در قالب اعلام حکم محکومیت در رسانه‌ها و تشهیر رسانه-ای مورد توجه قرار گرفته است. حتی در همین زمینه، ستاد صیانت از حقوق شهروندی و حریم امنیت عمومی به منظور تحقق مسئولیت دولت در صیانت از حقوق شهروندی و فرهنگ‌سازی و ارتقاء فرهنگ عمومی و اجرای مصوبه ۵۶۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی و صیانت از حریم امنیت عمومی این ستاد تشکیل شد.

- مجازات تشهیر و مصالح عمومی شهروندان

در جامعه معاصر راه‌های متفاوتی وجود دارد که حاکی از ارتباط میان حکومت‌ها، سیاست و رسانه‌ها است (گیلسپیا، ۲۰۰۷: ۲۷۹). به همین دلیل می‌توان برای منافع عمومی جامعه از طریق به کارگیری رسانه‌ها، مصالح جامعه را به نفع اقشار مختلف جامعه به پیش برد. در همین راستا، همواره مصلحت‌های فردی و اجتماعی در احکام فقهی مراعات شده، هرگاه این دو مصلحت در یک‌جا با هم اصطکاک و برخورد پیدا کنند، مصالح عمومی بر مصالح فردی ترجیح پیدا کرده است (ماوردی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). به طوری که می‌توان گفت میان احکام فقهی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که برقراری یکی مستلزم توجه به رعایت دیگری است. بر همین اساس، در زمینه اجرای مجازات تشهیر درباره مجرمان باید مصالح عمومی جامعه را در نظر داشت و با این استدلال که تشهیر باعث رسوایی یک نفر (مجرم) در میان مردم شود و نباید آن را اجرا نمود، نمی‌توان امنیت و مصالح عموم شهروندان را مورد بی‌توجهی قرار داد. هرچند در این میان، اصل تنفیر از دین چنین حکم می‌کند که اجرای قواعد و احکام اسلامی نباید باعث ایجاد نگرش بدبینانه نسبت به اصل دین شود و زمینه‌های دین‌گریزی را فراهم سازد. چنانچه توصیه فقهای شیعی بر این است که بر فقیه و وکلای وی لازم است از هر کاری که موجب بدبینی نسبت به اسلام است پرهیز کنند و کارهایی که ضرر آن‌ها بیش از نفع آن است را ترک نمایند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۵).

بنابراین تحقق شهروندی بر مبنای به کارگیری مجازات تشهیر نیازمند ملاحظات است که در نهایت باعث گرایش بیشتر شهروندان به قوانین اسلامی شود و موجبات دوری و دل‌زدگی آنان را فراهم نسازد؛ زیرا در این صورت، استنکاف مردم از قوانین بیشتر می‌شود و نظم و امنیت اجتماعی با خلل مواجه می‌شود. به همین دلیل بود که امام خمینی (ره)، در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور غیررسمی مانع اجرای کیفر رجم شد

(موسوی خمینی، ۱۴۱۶). حتی برخی از فقهای معاصر که برای شکل و شیوه اجرای مجازات مذکور در متون دینی، موضوعیت قائل اند، تغییر شکل و شیوه اجرای مجازات اسلامی را در فرضی که مستلزم وهن دین و مسلمانان باشد، لازم دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۱۴۹). به نظر می‌رسد به دلیل ماهیت تعزیری بودن جرائم مرتبط با مجازات تشهیر، بهره‌گیری از این رویه به نحو مطلوب‌تری هم می‌تواند ترس و نگرانی را در میان مجرمان پدید آورد و هم باعث افزایش آگاهی شهروندان از اعمال مجرمانه شود. به نظر می‌رسد گسترش حساسیت‌های امروزی در زمینه حقوق شهروندی اسلامی از طریق مجازات تشهیر، نیازمند رعایت مصالح عموم در این زمینه نیز است. به‌طور مثال، درباره به کارگیری این قاعده درباره پرونده‌های مالی از طریق رسانه‌ها مستلزم احتیاط بیشتری است، زیرا نشر گسترده چنین جرایمی می‌تواند باعث بدبینی شهروندان به اصل نظام اسلامی شود.

بدین ترتیب در کنار تحقق حقوق شهروندی در سایه مجازات تشهیر، حفظ مصالح عموم و نگرش افکار عمومی نسبت به حاکم اسلامی نیز دارای اهمیت است. به همین دلیل، امام خمینی (ره) تصریح نموده است که هرگاه امر به معروف یا نهی از منکر موجب وهن شریعت شود، جایز نیست؛ مگر این که از موارد مهم باشد. ضمن این که در این ملاحظه کاری، اصل دیگری نهفته است و آن هم آرامش و امنیت شهروندان و رعایت حقوق آنان از هرگونه انتشار اخبار و اطلاعات سردرگمی است که در عصر کنونی می‌تواند شکل بگیرد؛ بنابراین اجرای قاعده کیفری تشهیر و اصل تنفیر از دین نیازمند رعایت ظریف کاری‌هایی است که سرانجام آن حفظ مصالح عمومی شهروندان در جامعه اسلامی است. به تعبیر یکی از فقها: «اگر اقامه برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه‌ای خاص یا در همه مناطق و یا در برهه‌ای از زمان، موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و احکام آن و در نتیجه، تضعیف اساس دین شود، حاکم مسلمین یا متولی حوزه قضا می‌تواند - بلکه موظف است - اقامه آن حد را تا زمان

توجه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت وضع آن‌ها تطبیق نماید» (گلدوزیان و احمدزاده، ۱۳۷۸: ۵۱).

– مجازات تشهیر و نفی ضرر علیه شهروندان

مجازات تشهیر از آن جهت که برای مقابله با مجرمان و برملا کردن آنان در نزد مردم دنبال می‌شود، باعث جلوگیری از تکرار جرم و بروز خسارت و ضرر به شهروندان می‌شود. از این جهت، مجازات تشهیر، با قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» نیز در ارتباط است؛ بنابراین از دیگر قواعد فقهی عام قاعده حرمت اضرار به نفس است. استنادهای متعدد فقهی به این اصل دیده می‌شود و برخی از فقها نیز قاعده کلی «کل مضر حرام» را در کنار سه قاعده دیگر: «کل مغضوب حرام»، «کل نجس حرام» و «کل خبیث حرام» قواعد کلی حاکم بر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها به شمار آورده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۶۲). از آنجا مجازات تشهیر، اصلی اجتماعی و مرتبط با حقوق شهروندان است، اجرای آن نباید باعث ایجاد ضرر و زیان عمومی اعم از مادی و معنوی شود. چه این که، بعضی از مسائل و احکام باعث ضرر و زیانی عمومی می‌شود که باید حکم حاکم به گونه‌ای باشد که جلوی ضرر و زیان عمومی را بگیرد (خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۶۲).

در این زمینه باید اشاره کرد که برخی از مفسران از آیاتی متعدد از جمله آیات نفی حرج و آیات «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸). «و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید»؛ و «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۸). و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد». قاعده کلی «حرمت مضار» را برداشت کرده‌اند که هر چند در استناد به برخی از این آیات تأمل وجود دارد، اصل قاعده ثابت شدنی است (کیدری، ۱۴۱۶: ۱۴۹). در هر صورت اصل مذکور نشان می‌دهد که اجرای حکم تشهیر نباید باعث ایجاد ضرر و زیان عمومی و فردی شود؛ به عبارت دیگر، حفظ آبرو و عزت شهروندان

اعم از مجرمان و مردم عادی در جای خود دارای اهمیت است و به کارگیری مجازات تشهیر نباید باعث ضرر و زیان شود. ضمن این که مجازات تشهیر، خود ضامنی برای دفع ضررها در جامعه و گامی برای تحقق حقوق شهروندی است. چنانچه ضررهایی ممکن است از سوی مجرمان بروز کند که کیفر تشهیر به خوبی می تواند با شناسایی معرفی مجرمان به شهروندان از بروز دو اتفاق مهم جلوگیری نماید؛ اول این که مردم مجرمان را می شناسند و از هم نشینی و تعامل با آنان دوری می کنند و دوم این که بر اساس قاعده لا ضرر، دین اسلام با هرگونه ضرر دیدن و ضرر رساندن چه در حوزه های اجتماعی و چه در حوزه های فردی مخالف است. به عبارتی دیگر، تشهیر، اعلان مجازات فرد است و ندا دادن به مردم برای آگاهی از عمل اوست. به خصوص در جرایمی که در آنها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود؛ تا او را شناسایی کنند و از او دوری جویند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

بحث و نتیجه گیری

امنیت یکی از نیازهای اساسی هر جامعه ای است که راه های مختلفی برای تأمین آن و دستیابی به حقوق شهروندی تعبیه شده است. یکی از این راهکارها به مجازات تشهیر اختصاص دارد که جلوه های آن در برخی آیات، روایات و سیره رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) و در نهایت قوانین داخلی پس از انقلاب اسلامی ایران از جمله قانون مجازات اسلامی قابل مشاهده است. مفاد اصلی مجازات تشهیر، انتشار و رسوا ساختن متخلفان و مفسدان است که امنیت عمومی جامعه و به تبع آن حقوق شهروندان را مورد تعرض قرار می دهند. در هر صورت، گسترش جمعیت و پیدا شدن مصادیق جدیدی از جرایم گوناگون، نیازمند سخت گیری و معرفی کردن اسامی محکومان جرایم اقتصادی و اجتماعی است که هم می تواند جنبه های بازدارنده داشته باشد و هم اینکه از حیث تربیتی و فرهنگ سازی، امور شهروندان را به نحو مطلوبی سامان ببخشد. مجازات تشهیر علاوه بر این که باعث انتشار اسامی محکومان می شود، پیام مهمی نیز برای سایر شهروندان دارد. به این دلیل که با ایجاد ارباب عمومی و

ایجاد تلنگر در میان آحاد مردم از وقوع جرایم بعدی در این زمینه جلوگیری می‌کند. ضمن این که مجازات کیفری در جرایم اقتصادی باید به شکل واضح تری مشخص شود تا زمینه‌های لازم برای مفسدان اقتصادی و اجتماعی از جمله زمین خوران، اختلاس-گران و... فراهم شود و هم چنین با تسری دادن مجازات تشهیر به مصادیق نقض حقوق شهروندی، شاهد گسترش برابری و عدالت در میان شهروندان باشیم.

با توجه به گسترش حقوق شهروندی و لزوم توجه به ابعاد گسترده کلاه برداری، مفاسد اجتماعی و اقتصادی و هم چنین ناامنی اجتماعی به مثابه ناقضان حقوق شهروندی، لزوم تعمیم این اصل به امور اجتماعی و اقتصادی قابل دفاع است؛ بنابراین مجازات تشهیر با کمک رسانه‌های ارتباطی و حفظ مصالح عمومی می‌تواند ضامنی برای تحقق حقوق شهروندی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی تلقی شود. ضمن این که پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن تغییر در ماهیت و عناصر حقوق بشر، نیازمند پیشرفت در به کارگیری مجازات تشهیر است و همانند شیوه‌های سنتی، الزامی به گرداندن مجرم در کوی و برزن نیست و تنها با رعایت قواعد دیگری از جمله قاعده لاضرر، قاعده تنفیر از دین و هم چنین جلوگیری از بی‌اعتمادی اجتماعی می‌توان از رسانه‌ها به-عنوان محملی برای شناسایی و معرفی مجرمان بهره برد و زمینه‌ها را برای تحقق حقوق شهروندی فراهم آورد.

سپاسگزاری

در آخر پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از اساتید و محققانی که از مطالعات تجربی آنان در راستای عمیق تر و دقیق تر پژوهش حاضر استفاده شده است، تشکر نمایند. همچنین از مراجعی مانند مدیران کتابخانه‌ها نیز به نوبه خود تقدیر می‌شود. ضمن اینکه از انتقادات تخصصی و دلسوزانه نقادان پژوهش که به غنای مطالب کمک نمودند، کمال قدردانی را داریم.

منابع

- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان‌العرب، بیروت: انتشارات دارالطباعه.
- انصاری، قدرت‌الله. (۱۳۸۶). تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بولوک، برنار. (۱۳۷۷). کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهشتی، علیرضا؛ قیوم‌زاده، محمود. (۱۳۹۶). جلوگیری از بزه‌های اقتصادی از طریق حسابگری کیفری، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱(۱۱): ۴۰۲-۳۹۳. قابل‌بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/2026804>.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۳). غررالحکم و درالکلم، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: نشر دارالکتاب الاسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۴). مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۹۷). نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، احمد. (۱۳۹۰). تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، نشریه کتاب زنان، ۳(۴): ۱۷۶-۱۴۷. قابل‌بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/303258>
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۴). تحلیل جرائم کلاه‌برداری و خیانت در امانت در حقوق ایران، تهران: انتشارات دادگستر.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱). شرایع‌الاسلام، قم: نشر اسماعیلیان.
- خوانساری، احمد بن یوسف. (۱۴۰۵). جامع‌المدرک فی شرح‌المختصر‌النافع، قم: اسماعیلیان.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: انتشارات دارالعلم.
- رشادتی، جعفر؛ رضایی، علی. (۱۳۹۸). کیفرشناسی شهیر و امکان‌سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متحلف، مجله حقوقی دادگستری، ۸۴ (۱۱۰): ۱۰۱-۱۲۲. قابل بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_39149.html.
- زمانی، لیلا؛ ابویی، حسین؛ تولایی، علی. (۱۳۹۰). شهیر شاهد زور، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲ (۴۴): ۱۱۷-۱۳۸. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/335722>.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌های اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۴). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی (شیخ) محمد بن حسن. (۱۴۰۰ ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- طوسی (شیخ)، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). الخلاف، تصحیح علی خراسانی و دیگران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). العین، قم: منشورات الهجره.
- قاسمی، طهمورث. (۱۳۶۸). سواد رسانه‌ای رویکردی جدید به نظارت، فصلنامه رسانه. ۱ (۶۸): ۸۶-۱۰۸. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/40161>.
- قربانی، مجید. (۱۳۹۵). بررسی فقهی و حقوقی و آسیب‌شناسی طرح شهیر اراذل و اوباش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه. قابل بازیابی از: <https://elmnet.ir/article/10972121-61512>.

- غلامی، علی؛ مجتهدی، طهماسبی، محمدحسن. (۱۳۹۷). مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکردی تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده)، ۸۲ (۱۰۴): ۱۷۷-۱۵۳. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/408785>
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان.
- کاشف‌الغطاء نجفی، حسن بن جعفر بن خضر. (۱۴۲۳ ق). انوار الفقاهه-کتاب الشهادات، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- کیدری، قطب‌الدین محمد بن حسن. (۱۴۱۶). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم: مرکز موسسه الامام الصادق.
- گلدوزیان، ایرج؛ احمدزاده، ابوالفضل. (۱۳۸۸). بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی، فصلنامه حقوق، ۲ (۲۹): ۲۷۰-۲۵۵. قابل بازیابی از: https://jlq.ut.ac.ir/article_28277.html
- ماوردی، علی بن محمد. (۱۳۸۳). الاحکام السلطانیه و الولايات الدینه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۶). بحارالانوار، مصحح محمدباقر محمودی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محدثی، زهرا، سلطانی، عباس‌علی. (۱۳۹۶). نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۹): ۱۰۲-۷۱. قابل بازیابی از: http://ijrj.baboliau.ac.ir/article_535539.html
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). حکیمانه‌ترین حکومت؛ کاوشی در نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۶). تحریر الوسیله، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). تحریر الوسیله، ج ۱، قم: نشر دارالعلم.

- نراقی، احمد بن محمد. (۱۴۱۵). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: انتشارات آل-البیت.
- واثقی، قاسم. (۱۳۷۲). تدابیر و سیره عملی امام علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی، ترجمه مهرداد رحمانی، تهران: نشر سینه سرخ.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۱۹). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، جمعی از پژوهشگران، قم: موسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۴). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نشر قومس.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.
- Barak. G. (1994). *Medin, Process. And the social Construction of Crime*. New York: Publisher Routledge.
- Gillesple. Marle. (2010). *Security, media and multicultural citizenship : A collaborative ethnography*. *European Journal of Cultural Studies*. 3(10): 275-293.
<https://doi.org/10.1177/1367549407080731>
- Osler, A. & Starkey, H. (2010). *Teachers and Human Rights Education*. London: Publisher Trentham Books.